



# نبی رحمت منجی بشریت

عبدالحکیم عثمانی

## انبیا حاملان کلیدهای اسرار

پیامبران الهی و ادیان آسمانی که پیام آور دستورات و قوانین آفریننده هستی و راهنمای انسانها در مسیر زندگی هستند، به عنوان حاملان وحی و واسطه بین خالق و مخلوق و ریسمانی بین آسمان و زمین، همواره در تاریخ زندگی بشر منشأ تحول و دگرگونی و منبع خیر و برکت و روزنه امید و دل بستگی بوده اند. انسانهای خسته و ناامید، رنج دیده و پریشان، سرخورده و گرفتار، کسانی که از وحشت تنهایی و بی کسی در دنیای مملو از آدم نماها آرزوی مرگ داشتند و آخرین رمق ها را زیر چکمه های سنگین هموعان خودشان به سختی سپری می کردند، با ظهور نبی وقت و فریاد آشنای انسان کامل و دم مسیحای منجی زمان، پروانه وار خودشان را به شمع رسالت می رساندند و عاشقانه می سوختند. کسانی که از پرستش معبودان باطل و ساختگی خسته و درمانده شده بودند و از بی هویتی و سردرگمی در زندگی بی ابتدا و بی انتها رنج می بردند و از تفسیر آفرینش و هدف خلقت بی خبر بودند و این معما به حیرت و سردرگمی شان افزوده بود، با شنیدن ندای توحید، بلافاصله پرده های ظلمت و تاریکی و لایه های شرک و کفر را کنار می زدند و از عذاب پوچی و واماندگی ضلالت و گمراهی خودشان را نجات می دادند.

انسانهای غرق در منجلاب فساد و فحشا، کسانی که تعفن بی بندوباری و حیوانیت مسمومشان گردانیده بود و از صداقت گفتار و کرامت کردار و معاشرت موزون انسانی و اخلاق شایسته و پیراسته بشری محروم بودند و از رذایل اخلاقی و تعامل ناسالم خود و دیگران به ستوه آمده بودند، با یافتن الگوی اخلاق و رسیدن به انسان کامل که

جهان در ابتدای هزاره سوم میلادی، در یکی از بدترین و بحرانی ترین مراحل تاریخ بشر به سر می برد. سرعت سرسام آور در رقابت های تسلیحاتی، امنیت را از کره زمین سلب نموده است و هر لحظه آن را به انفجار اتمی هولناکی نزدیک می کند. تلاش ابرقدرتها و ایادیشان جهت تحقق و تحکیم نظام تک قطبی در جهان و کشاندن سرنوشت انسانها در مسیر و بستر غیر فطری و ناموزون نظام سلطه و استبداد، آزادی و حریت را از آزادگان جهان سلب کرده است. فزون طلبی و زراندوزی غیر معقول اهل طمع و آز، فاصله طبقاتی فقرا و ثروتمندان را افزایش داده و زندگی را بر تنگدستان غیر قابل تحمل نموده است. پرستش مادیات و تجملگرایی فرصت فکر کردن و اندیشیدن را از انسانها گرفته است. شهوت پرستی و بی بندوباری انسانها را از مقصد اصلی زندگیشان منحرف گردانیده است. بی عدالتی و تبعیض، جاه طلبی و اقتدارگرایی، حس خیرخواهی و غم خواری را از حکام و زمام داران دنیا سلب نموده است. توده های سرگردان و جماعت های درمانده، قربانی هوسها و تمایلات عده معدودی گردیده اند و در کوره های جنگ و لشکرکشی و سیاست های عقیم و ناپخته، طعم تلخ فقر و محرومیت را با سختی و بدبختی تجربه می کنند.

انسانها در گوشه و کنار جهان چه شرقی و چه غربی، آسیایی و اروپایی، سفید و سیاه، در کشورهای پیشرفته و عقب مانده، از نااملایمات زندگی و روند خطرناک سیاست حاکم بر جوامعشان همواره اظهار رنج و تنفر می نمایند و از زندگی طاقت فرسا و سخت موجود در عین وفور نعمت و ترقی بیشتر، به ستوه آمده اند.

واقعی حیات طیبه را درک می کنند و دنیا را به عنوان گذرگاهی جهت رسیدن به آخرت انتخاب می کنند، که ایمان و عمل صالح در آن مهمترین عامل موفقیت و دست یافتن به نعمت های آخری است. کتاب ها و صحیفه های آسمانی در ادوار مختلف ضمن بیان حکایات و ماجراهای اقوام و ملت های گذشته بر این نکته به کثرت تأکید داشتند که ملت های مؤمن و صالح، عدالت پیشه و درستکار، انسان های نیک و خیرخواه، باعث تحولات نیکو، گسترش امنیت و آسایش، فلاح و رستگاری، عمران و آبادانی، و عدالت و خیرخواهی بوده اند و بعکس انسان های کافر و بی بند و بار، جاهل و ستم پیشه، دنیاپرست و خوشگذران، منشأ بی ثباتی و تنش، ظلم و بی داد، تباهی و ویرانی، فساد و فتنه بوده اند. کتاب های آسمانی با بیان چنین حقایق حقیقی مخاطبین خویش را به الگو قرار دادن انبیا و اتباع کامل از آن انسان های پاک و وارسته دعوت داده، و به اجتناب و دوری نمودن از کسانی که منبع ناهنجاریها و زشتی ها در جهان هستند فراخوانده اند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم آخرین خشت بنای نبوت با توجه به آنچه که در باب عموم انبیا و رسالاتشان بیان شد و با در نظر داشتن نیاز مبرم جامعه بشری در ابعاد مختلف زندگی به سفیران هدایت و منجیان انسانیت و لزوم تداوم و استمرار ارتباط انسان ها با خالقشان و کسب شناخت لازم و معارف الهی از طریق نبوت، اهمیت و جایگاه رسالت خاتم النبیین محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله وسلم و ضرورت تکمیل بنای نبوت و اتمام عمارت رسالت و گذاشتن آخرین خشت این ایوان که مکمل و متمم تمام زیباییها و ارزشهاست، به وضوح نمایان می شود.

حضرت جابر رضی الله عنه روایت می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند:

«مثلی و مثل الأنبياء كمثل رجل بنى داراً فأتمها وأكملها الا موضع لبنة فجعل الناس يدخلونها ويتعجبون منها ويقولون لولا موضع اللبنة. قال رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم: فأنا موضع اللبنة، جئت فختمت الأنبياء»<sup>(۱)</sup>؛ مثال من و سایر انبیا علیهم السلام مانند شخصی است که منزلی ساخته است و جز جای گذاشتن یک خشت، تمام آن را تکمیل نموده است. مردم وارد این منزل می شوند و از زیبایی و جذابیتش شگفت زده می شوند و می گویند که ای کاش جای آن یک خشت خالی نمی بود (و بنا تکمیل می گردید). رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: من آن خشت تمام کننده هستم؛ من آدمم و سلسله نبوت با آمدن من پایان یافته است.

تشبیه جالبی است؛ زیرا در ساختار یک منزل مصالح و امکانات مختلفی به کار برده می شود که ناگزیر در اتمام و زیبایی بنا و کارایی آن نقش بسزایی دارند و رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در تکمیل عمارت نبوت نقش آن خشت اساسی را دارند که به عنوان

زندگیش سراسر درس و آموزه است، و تک تک رفتار و کردارش پیام و الگوست، و نه تنها شیوه زندگی صحیح و فطری و زیبا و جذاب را می آموزد، بلکه از آموزش بهترین مردن و بهترین رفتن نیز فرو گذار نکرده است، برخی بلافاصله و بدون تأمل و برخی نیز با ملاحظه و تأنی از گمشده درون خویش و آرزوی دیرینه خود به گرمی استقبال می کردند.

### ایمان و عمل صالح مهمترین دستاورد انبیا علیهم السلام

انبیا علیهم السلام با فراخواندن انسانها به سوی ایمان و عمل صالح نوید رستگاری و کامیابی دو جهان را به مخاطبانشان اعلام می داشتند. آنها از ارتباط انسان با خالق خویش و شناخت وی از آفریدگار جهان و اذعان به اینکه نظام هستی و چرخش کائنات، تدبیر و تصرف در جهان، پدید آمدن شب و روز، حرکت ستاره ها و سیاره ها، پرتوافشانی خورشید و مهتاب، فراهم نمودن ابرها و بارانها، فرستادن طوفانها و سیلابها، برافراشتن کوه ها و تپه ها، جنبش دریاها و اقیانوسها، گسترانیدن سبزه ها و جنگلها، آفرینش تمام هستی و آفرینش انسان که خود جهانی مرموز و پیچیده است، به اذن و اراده الهی است. چنانکه ذره ای در جهان هستی بدون اذن وی تکان نمی خورد و موجودی بدون اراده وی نه پدید می آید و نه نابود می شود. انبیا از این حقیقت به ایمان تعبیر می کردند و تحقق این موضوع و نشر این واقعیت را مهمترین هدف خویش قرار داده بودند و در راستای ابلاغ و رساندن آن از هیچ گونه تلاشی دریغ نمی کردند.

عمل صالح که رکن دوم و اساسی دعوت انبیا را تشکیل می دهد، در صورت تحقق، مهمترین عامل در ایجاد بزرگترین و عمیق ترین انقلاب در حیات انسان هاست. زیرا منظور از عمل صالح، تمسک به فضیلت و ترک رذیلت، اجرای فرامین و دستورات الهی اعم از فریاض و فضایل و حقوق بندگان خدا است و به تعبیری عمل صالح عبارت است از: ادای حقوق الله و حقوق مردم.

ایمان و عمل صالح از آنجایی که مستلزم یکدیگرند و ایمان بدون عمل باور نیست تهی از هر نوع اثر، و شناختی است خالی از رنگ و بو، و از جانب دیگر عمل بدون ایمان حرکتی است بدون روح و تصرفی است منهای باور، به اهمیت پیوستگی و لزوم این دو رکن اساسی در دعوت انبیا پی می بریم.

انبیا علیهم السلام به کمک وحی الهی بخوبی دریافته بودند که اگر انسانها به شناخت لازم نسبت به خالق یکتا برسند و بر حضور و تصرف باری تعالی در کائنات یقین داشته باشند، و خودشان را ملزم به اجرای فرامین الهی بدانند و در انجام هر عملی چه خوب و چه بد به پاداش متناسب آن باور داشته و محاسبه دقیق و عادلانه الهی را نسبت به اعمال ریز و درشت خود در نظر داشته باشند، آن وقت است که انسانها در مسیر درست زندگی قرار می گیرند و معنای

آخرین خشت، عطش و آرزوی هر بیننده و زائری را برطرف می‌گردانند. این نکته خود تلویحاً اشاره‌ای است به آرزوی انسانیت و انتظار سراسر حسرت و اشتیاق بشریت در قرن ششم میلادی، تا انقلابی عمیق و پرگستره که تا به حال مصلحان و معلمان اخلاق، فیلسوفان و دعوتگران، شعرا و سیاستمداران، توان قیام جهت تحقق آن را نداشتند، پدید آید.

### بعثت پیامبر اسلام و پدید آمدن بزرگترین تحول در دنیا

پیام رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و هدفی که ایشان به منظور تحقق آن مبعوث شده بودند، خیلی بالاتر و عمیق‌تر از آن بود که بتوان با دیدی سطحی و مطالعه‌ای گذرا در مورد وضعیت جهان آن روز، آن را تحلیل نمود؛ زیرا تغییر یک پدیده اجتماعی، اخلاقی، عقیدتی و یا ایجاد تحول و دگرگونی در عادات و اخلاق یک ملت، امری نیست که بتواند مبنای بعثت و هدف انتخاب رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم از جانب خداوند متعال قرار گیرد.

اندیشمند و سیرت‌نگار برجسته علامه سید ابوالحسن ندوی - رحمه الله - می‌نویسد: مسئله مهم این بود که انسانی جدید ساخته شود که از هر نظر با انسان گذشته متفاوت باشد؛ انسانی که تازه به دنیا آمده و می‌خواهد از نو زندگی کند: «أومن كان ميتاً فأحييناه و جعلنا له نوراً يمشي به في الناس كمن مثله في الظلمات ليس بخارج منها» [انعام: ۱۲۲]؛ آیا کسی که مرده‌ای بوده است و ما او را زنده کرده‌ایم و نوری فرا راه او قرار داده‌ایم تا در پرتو آن میان مردم راه برود، مانند کسی است که در تاریکیها فرو رفته است و از آن تاریکیها نمی‌تواند بیرون بیاید.

علامه ندوی در ادامه می‌افزاید: مسئله اصلی رهایی بخشیدن انسانیت بود که کاملاً خود را برای خودکشی و سقوط در جهنم دنیا و آخرت آماده کرده بود، و قرار دادن وی به شاهراه سعادت و خوشبختی تا در این دنیا به حیات طیبه‌ای که نصیب بندگان برگزیده می‌شود نایل آید، و در آخرت به بهشت جاودان که موعود متقیان است، راه یابد. مسئله اصلی ریشه کن ساختن جرثومه فساد و بت پرستی بود، تا چنان از بیخ کنده شود که اثری از آن باقی نماند و به جای آن عقیده توحید خالص در اعماق دل و جان چنان غرس گردد که بالاتر از آن در تصور نگنجد. انسانی ساخته شود که در درون او حس خداجویی و پرستش الله و خدمت به نوع انسانی و حق طلبی بر هر خواهش دیگر غالب شود.<sup>(۳)</sup>

بنابراین روشن گردید که تولد انسان جدید و تحول همه جانبه در زندگی و ایجاد ارتباط انسان با خالقش و تقویت این رابطه و رهنمون نمودن انسان به سوی هدف اصلی آفرینش و از همه مهمتر نجات انسانیت، نجات از سقوط و هلاکت، نجات از زبونی و پستی، نجات از حیوانیت و وحشی‌گری، و سرانجام نجات از جهنم و عذاب آخرت، بزرگترین تحولی بود که بعثت رسول اکرم

صلی الله علیه و آله وسلم آن را در پی داشت.

حضرت جابر روایت می‌کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «مثلی و مثلکم کمثل رجل أوقد ناراً فجعل الجنادب و الفراش يقعن فيها و هو يذبهن و أنا أخذ بحجزكم عن النار و أنتم تفلتون من يدي»؛ مثال من و شما مانند شخصی است که آتشی افروخته است و پروانه‌ها و سایر حشرات در آن می‌افتند و او آنها را از انجامی راند تا در آتش نیفتند؛ و من نیز دستم را به کمربند و لنگ دور کمرتان می‌اندام و شما را از افتادن در آتش باز می‌دارم و شما از دستم رها می‌شوید.<sup>(۳)</sup>

در روایت فوق انسانهای ناآگاه به پروانه‌ها و حشراتی تشبیه شده‌اند که از ماهیت آتش بی‌خبرند و به شوق پرتوگیری از روشنایی و نور ظاهری آن، خودشان را به هلاکت می‌اندازند؛ اما انسان دلسوز و خیرخواهی که در آنجا حضور دارد و از حقیقت آتش آگاه است، از هیچ تلاشی برای دور کردن و نجات آنها از آتش دریغ نمی‌ورزد. زندگی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و رسالت وی بهترین گواه بر این حقیقت است که انسانهای گمراه و ناآگاه بر لبه جهنم قرار داشتند و هر آن احتمال سقوطشان می‌رفت و داشتند در ظلمتکده زندگی فنا و به عذاب اخروی گرفتار می‌شدند، که مشمول لطف الهی و شفقت رسول گرامی قرار گرفتند و به برکت رسالت آن بزرگوار از سقوط حتمی نجات پیدا کردند. نه تنها خودشان نجات یافتند، بلکه با تاسی به رسول خدا صلی الله علیه وسلم و نشر رسالت وی در جهان، سبب نجات توده‌های انبوهی غیر از خودشان نیز گردیدند.

هزاره سوم و نیاز مبرم انسانیت به رهنمودهای خاتم النبیین انسانهای واقعیت‌گرا و افراد حقیقت‌جو، کسانی که قضیه نجات انسانیت و نجات خودشان فکرشان را به خود مشغول نموده است و سیر خطرناک انسانیت را به سوی نابودی و هلاکت، و سرعت سرسام‌آور مراکز قدرت و ثروت جهانی را به سوی خودکشی و تباهی مشاهده می‌نمایند و خیرخواهانه و مشتاقانه به بررسی و کندوکاو اوضاع جهان می‌پردازند و چالش‌ها و راهکارها و مشکلات و راه‌حلها را ارزیابی می‌نمایند و به تحقیق و تطبیق در تاریخ ادیان و مذاهب و حکومت‌ها و مکاتب فکری می‌پردازند، اگر از انصاف و عدالت و واقع‌نگری و حقیقت‌جویی بهره‌مند باشند، شکی نیست که رسالت خاتم النبیین و فرامین ارزنده اسلام و زندگی سراسر درس و الگوی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم را در ابعاد مختلف زندگی در جنگ و صلح، سیاست و اقتصاد، اخلاق و اجتماع، تنها راه نجات و تنها مسیر رهایی می‌دانند.

راهروان این مسیر و هدایت‌یافتگان مکتب نبوی در طول تاریخ با عشق و علاقه غیرقابل وصف خود در تحکیم و اجرای آرمانها و اهداف رسول بزرگوار اسلام، حقانیت و ضرورت گسترش رسالت

فقها و اندیشمندان اسلامی بر جواز قتل کسی که به رسول خدا اهانت نماید اتفاق نظر دارند. اگر آن فرد مسلمان باشد، مباح الدم و اگر ذمی باشد، عهدشکن محسوب می شود. مسلمان از آنجایی که ایمانش بدون محبت رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم کامل نیست و محبت رسول خدا شرط وجود ایمان است، تحمل چنین حرکات نادرست برایش خیلی طاقت فرسا و سخت می باشد.

خداوند متعال می فرماید: «قل ان كان اباؤکم و ابناءکم و ازواجکم و عشیرتکم و اموال اقترفتموها و تجارة تخشون کسادها و مساکن ترضونها أحب الیکم من الله و رسوله و جهاد فی سبیلہ فتر بصوا حتی یأتی الله بامرہ و الله لایهدی القوم الفاسقین» [توبه: ۲۴]؛ بگو: اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و قوم و قبیله شما و اموالی که آنها را به دست آورده اید و تجارتی که از کسادیش می ترسید و منازلی که مورد علاقه شماست، در نزد شما از خدا و رسولش و جهاد کردن در راه الله محبوب تر باشند، پس در انتظار باشید تا خداوند حکمش را در میان آورد. و خداوند گروه نافرمانان را هدایت نمی کند.

در مکتب شیفتگان رسالت، جان و مال، اهل و عیال، خانه و کاشانه، و زن و فرزند فدای رسول خداست. به همین دلیل است که با مشاهده اقدامات غیرانسانی غربی ها به خصوص اقدام چندی پیش روزنامه های دانمارکی در قضیه اهانت به رسول خدا، مسلمانان در سطح جهان با چنان شور و شعفی به ابراز عشق و محبت با رسول خدا پرداختند و بر خلاف تصور عاملان این اقدام مذبحخانه که فکر می کردند شاید از این طریق بتوانند الگوشکنی کنند و با تنقید از مظهر هدایت و اسوه بشریت، مسلمانان را بی هویت گردانند، هزاران جوان و نوجوان، زن و مرد، کوچک و بزرگ با زمزمه ترانه ها و قصیده هایی در وصف رسول خدا به ابراز علاقه و محبت پرداختند. در بررسی ابعاد مختلف زندگی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم، هزاران مقاله و خطابه و سروده ارائه، صدها سایت اینترنتی ایجاد، و دهها سمینار و کنگره برگزار گردید.

در تظاهراتی در استانبول، نیم میلیون نفر هم صدا و هماهنگ در حرکتی بی سابقه و غیرقابل وصف سرود «طلع البدر علینا...» را با چشمانی اشکبار و احساساتی پاک چنان سرودند که قلب هر بیننده و شنونده ای را تکان می داد، و جملات «فداک ابی و اُمی یا رسول الله» به ابتکار جوانان مسلمان و با هک کردن بسیاری از سایتهای یهودی و مسیحی بر صفحه اول سایتهای آنان ظاهر گردید.

«لا تحسبوه شرأ لکم بل هو خیر لکم» [نور: ۱۱]؛ این قبیل اقدامات مذبحخانه را برای خود شر مپندارید. بلکه آن برایتان [سبب] خیر است.

هر چند حرکت مزبور بسیار وقیحانه و جسورانه بود، اما سبب بیداری و آگاهی مسلمانان، و باعث تجدید عهد و میثاق با نبی اکرم و تجدید عمل به سنت و روش آن بزرگوار گردید. در شرایط کنونی و فضای پیش آمده آنچه جهت دفاع از رسول

نبی اکرم را جهت نجات بشریت از نابسامانیهای دنیا و عذاب آخرت ثابت کردند.

تاریخ گواه است که شاگردان و دلباختگان رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم علی رغم تلاشهای مذبحخانه دشمنان اسلام، توده های زیادی از انسانها را به شاهراه هدایت رهنمون کردند، و آنها با چشیدن لذت ایمان و بهره مند شدن از حیات طیبه ای که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به ارمغان آورده بود، بهترین نقش را در دنیا ایفا کردند، و به برکت رسالت رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و اجرای شیوه نبوی در زندگی فردی و اجتماعی و سیاسی و اقتصادی خود، شیرین ترین لحظات و بهترین دوران حیات خود را سپری کردند.

در شرایط کنونی که ابرقدرتها بیم انزوا و تمام شدن تاریخ مصرفشان را حتمی می دانند و مکاتب غیردینی و لائیک به ناکامی و شکست خویش اذعان دارند و از آن طرف بیداری اسلامی و اسلام خواهی از رشد قابل ملاحظه ای برخوردار گردیده است، چاره ای جز تحریف اسلام و روا داشتن تهمت های نادرست بر پیکره دین و ترسیم چهره ای خشن و افراطی از رسول خدا و مسلمانان ندارند. آنها با در دست داشتن رسانه های تبلیغاتی جهانی و بنگاه های خبری هر روز با کمال وقاحت و بی شرمی به اهانت به رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم می پردازند و از این طریق می خواهند قداست و حرمت ساحت رسول اسلام را بشکنند و باب حمله و تهاجم علیه انبیا را بگشایند و جرأت توهین و دایره آن را گسترش دهند. لاجرم آنان در برابر رشد اسلام خواهی و ازدیاد شیفتگان رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و فراگیر شدن دامنه تحقیق و کنجکاوی پیرامون زندگی پیامبر اسلام و سیرت مبارک وی چاره ای جز به کارگیری تلاشها و حرکت های غیر اخلاقی و غیر انسانی ندارند. این در حالیست که شیفتگان پیامبر، کسانی که به عظمت و قداست وی ایمان دارند و دفاع از رسول خدا را مایه افتخار و سعادت و اتباع از ایشان را سبب نجات خویش می دانند، در برابر چنین بی حرمتی ها و قداست شکنی هایی، شعله ایمان و محبتشان تیزتر و لهب غیرت و حمیت شان افروخته تر می گردد.

### دفاع از حبیب و وظیفه هر مسلمان

زمانی که سردسته منافقان با غرور و تکبر گفت: هر گاه به مدینه بازگشتم، عزیزان ذلیلان را بیرون خواهند نمود، ذات باری تعالی به دفاع از نبیش فرمود: «و لله العزة و لرسوله و للمؤمنین»؛ عزت از آن خدا و رسول و مؤمنین است.

فرزند عبد الله بن ابی کاسه صبرش لبریز شد و قبل از اینکه کسی دیگر به دفاع از رسول خدا قد علم نماید، در مقابل پدرش شمشیر کشید و تا رسول خدا مداخله ننمود، از ورود پدرش به مدینه جلوگیری کرد.

### در سطح مدارس و مراکز آموزشی

- ۱- غرس محبت رسول خدا در قلوب طلاب و دانش آموزان در سطوح مختلف.
- ۲- ترتیب دادن جلسات و محافل در خصوص تبیین و توضیح زوایای مختلف زندگی پیامبر اسلام.
- ۳- افزودن و تدریس ماده سیرت در سطوح مختلف آموزشی توسط اساتید ماهر و متخصص.
- ۴- اختصاص فایلها و کمدهای مخصوص کتابهای سیرت و تشویق دانش آموزان جهت استفاده از آنها.

### در سطح ائمه و دعوتگران

- ۱- بیان صفات اخلاقی، خلقی و شمایل رسول خدا به صورت موضوعی و تحقیقی.
- ۲- بیان فضایل یاران، اهل بیت و خصایص امت محمدی و تبیین جایگاه رسول خدا و نقش آن بزرگوار در تربیت یاران و شاگردانش که حاملان دین و رسالت رسول خدا در جهان بودند.
- ۳- بیان شیوه زندگی روزانه رسول خدا و تعامل وی با همسران و خانواده خویش.
- ۴- تشویق مردم برای مطالعه سیرت رسول خدا از مصادر و منابع معتبر.
- ۵- رد شبهات و اشکالات دشمنان اسلام در خصوص شخصیت رسول اکرم.
- ۶- برگزاری مسابقات علمی و پژوهشی در باب سیرت و توزیع جوایز بین برندگان.

اجرای برنامه های فوق در سطوح مختلف توسط اهل علم و قلم، مدیران مدارس و آموزشگاهها، ائمه و خطیبان مساجد، و اولیای و مربیان قطعاً اثرات عمیقی در جامعه اسلامی به جای خواهد گذاشت و نسیم محبت و عطر دل انگیز نبوی در کالبد غفلت زده مسلمانان جان و روح تازه ای خواهد دمید و کوچه و برزن، مسجد و مدرسه، و هر محفل و انجمنی را با نام محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم عطر آگین، و سنتش زینت بخش زندگی ها قرار خواهد گرفت. ای ظهور تو شباب زندگی / جلوه ات تعبیر خواب زندگی / ای زمین از بارگاہت ارجمند / آسمان از بوسه بامت بلند / شش جهت روشن ز تاب روی تو / ترک و تاجیک و عرب و هندوی تو / از تو بالا پایه این کائنات / فقر تو سرمایه این کائنات / در جهان شمع حیات افروختی / بندگان را خواجگی آموختی / تا مرا افتاد بر رویت نظر / از آب و آغشته بی محبوب تر. (اقبال لاهوری)



خدا صلی الله علیه و آله وسلم باید مورد توجه قرار گیرد، شیوه دفاع و برنامه ریزی دقیق و گسترده برای آن است و اینکه مسلمانان باید در زندگی فردی و اجتماعی خویش، حیات طیبه رسول خدا و تمسک به سنن و روش ایشان و فهمیدن زوایا و ابعاد مختلف زندگی رسول گرامی را مدنظر قرار دهند. ذیلاً به برخی از برنامه ها و اعمال در راستای دفاع از حبیب صلی الله علیه و آله وسلم در سطوح مختلف اشاره می شود.

### در سطح زندگی فردی

- ۱- استحضار محبت رسول خدا با توجه به کرم، اخلاق، صفات جلیله و منت و احسان سرور عالم بر انسانیت.
- ۲- استحضار ثواب و اجر زیاد برای کسی که با رسول خدا محبت دارد و اینکه بنابر فرموده پیامبر گرامی همراهی و مصاحبت ایشان در جنت نصیبش می شود: «أنت مع من أحببت»؛ تو در قیامت با کسی هستی که او را دوست داری!
- ۳- التزام به دستور الهی جهت رعایت ادب و احترام رسول خدا و سنتهای آن بزرگوار: «یا ایها الذین آمنوا لا ترفعوا أصواتکم فوق صوت النبی و لا تجهروا له بالقول کجهر بعضهم لبعض أن تحبط أعمالکم و أنتم لا تشعرون» [حجرات: ۲]؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، صدای خود را از صدای پیامبر بلندتر نکنید، و چنانچه با یکدیگر سخن می گوید، با او به آواز بلند سخنی مگویید، تا نادانسته اعمالتان بی اجر و ثواب و ضایع نشود.
- ۴- نسبت دادن خیر دنیا و آخرت به رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم که منبع هدایت و اصلاح انسانیت می باشد.
- ۵- اجتناب از هرگونه استهزاء و تحقیر سنن و عادات رسول اکرم.
- ۶- محبت با اهل بیت و یاران رسول خدا که بیانگر محبت با رسول خدا است و اجتناب از هرگونه بی احترامی و اهانت به اهل بیت و یاران آن بزرگوار که نوعی بی احترامی به آن معلم بزرگوار می باشد.

### در سطح خانواده و زندگی اجتماعی

- ۱- تربیت فرزندان بر اساس محبت رسول خدا و غرس عشق و محبت آن بزرگوار در اعماق قلوب نونهالان.
- ۲- فراهم نمودن کتابهای سیرت، نوارها و خطابه های صوتی در این باب تا همواره در دسترس فرزندان باشد.
- ۳- اختصاص درسهایی از سیرت در خانه و مسجد و ملزم نمودن خانواده به شرکت در این جلسات و طرح سوالات و جوابهای آموزنده و کمکی جهت حفظ وقایع سیرت.
- ۴- تشویق نمودن فرزندان برای حفظ اذکار نبوی و دعاهای مأثوره و تأکید بر حفظ احادیث نبوی.
- ۵- الگو قرار دادن رسول خدا در زندگی زناشویی و خانوادگی.